



ترجمهٔ عبد الجبار خان

مابعد از شمارهٔ ۷ سال ۸

تحلیل نفسی

تقاضای فطرت انسانی چه ونشو و نهی سیرت آن چگونه میشود ؟
ماهرین (تحلیل نفسی) میگویند که نفس انسان دو قسمت (شعوریه و غیر شعوریه) دارد. چون انسان تولد میشود خواهشات محدود فطری در آن مضمحل میباشد که تحصیل و تکمیل خود را بهر نوعیکه شود طالب میگردد اما محیط و اطراف طفل تا بسیار حد برخلاف جبلت او میباشد چنانچه کودک از یکطرف آزادی میخواهد و از دیگر طرف حیات و پیشرفت آن در پاهای طفل زنجیر انداخته او را مقید میسازد. هر قدر که طفل بزرگ شده میرود همانقدر بندشهای مذکور را حس میکند - چون طفل برای مدافعه از قوت عاریست مجبوراً محکوم آن گردیده میخواهد که مطابق آن رفتار و زندگانی کند.

سبب و نتیجهٔ این مجبوریتها عبارت از همان اثرات عمیقست که از کشاکش داخلی نفس بر سیرت طفل عائد گردیده است چنانچه طفل خیالات ممنوعه را مخفی کردن و زیر فشار آوردن میخواهد اما خیالات مذکور آنرا نگذاشته کار خود را بداخل آن اجرا میدارد.

بسال اول مر کر تمام خواهشات طفل بردهان وی میباشد چنانچه شیر مادر را ذریعۀ دهن میمکد و هر چیز را دران انداخته بهره اندوز میشود بلکه تمام لذا نڈ حیاتیہ را با تمریوط میداند - بسال دوم توجه آن بطرف بول و براز مبدول شده از اخراج آن محظوظ میگردد - از سال سوم الی پنجم لطف اندوزی در اعضای خاص

آن شروع شده تا سال ششم به پرده خفا جاری و در سن بلوغ شدت آن بطور شعور آغاز میگردد - در بنوقت جذبۀ جنسیت ها

طوفانی بر پا کرده آرزوی تحصیل خوراک و تمنای وصول اشیا و خواهش حظ برداری جنسیت را که فطری و جبلی اند بر روی

کار می آورد - طفل نقائص آنرا ندانسته از بعضی هیجانات محسوس میشود بلکه برای تعقیب و تحصیل خواہشات مذکور راه

پیدا میکنند - طفل با اینسکه خود غرض



ع.ج. ۱۰۱۰، نشان محمد گل خان وزیر داخلہ
خود پسند، خودنما هست باز هم در حلقہ معاشرت يك رکن بزرگ میباشد در بنوقت طفل داخل بیشتر قیودات گردیده نسبت باجرای خود غرضیهای خویش و لطف کاریهای آن بخيال دیگران صدمه میرساند بدانواسطه به ظاهر شدن خود غرضیهای او قدم بقدم تحت تهدید آمده از بهره اندوزیهای غیر مناسب جلو گیری میشود حتی مسئله بجائی میرسد که مقدار شیر و وقت نوشیدن آن و بلکه وقت رفع حاجت تحت کنترول آمده تعیین میگردد.

همچنان اگر دیگر اوضاع مخالفیکه (گرچه اندک هم باشد) از سرزند بمناعتش

امرواقدام میکنند - چون اینها همه از جمله قیودات معاشرتی و ابتدای تر بیوی اخلاق طفل میباشد پس طفل مساعی خود را نسبت بر رفع آن بدرجه تام صرف میکند اما می بیند که همچو موانع بدرجه سخت و تردید ناپذیر است که با وجود زحمات تامه بر طرف نمیشود - مجبور شده خواهشات خود را تابع آن ساخته تا يك انداز کم میکند و بالای خود فشار انداخته بطور خفیه آنرا حل کرده میرود - نتایج آن (خواه خوب باشد بابد) وقتاً فوقتاً ظاهر میگردد بلکه بعضی اوقات تا عمر های دراز برای آن شخص باقی میماند .

اکثر ماهرین (تحلیل نفسی) عقیده دارند که سیرت انسان در اوائل عمر و بلکه به پنجسال اول طفل در يك قالب مخصوص صورت میگیرد - بعضی میگویند که تاثر وراثت هم چنان دارای اهمیت است که يك خبر مهم ساختمان و پرورش سیرت انسانی قیاس کرده میشود؛ برخی میگویند که تاثر وراثت درین خصوص اهمیتی ندارد اما بصورت عمومی تقریباً همه برین مسئله متفق اند که از (تربیت) يك تاثر بزرگ بر خصائص موروثی می افتد چنانچه ماهرین (تحلیل نفسی) هر يك از خصائل انسان بالغ را در کیفیات متنوعه شیر خواری، بول و پیراز و جذبات جنسیت یافته اند. یکی از آنها لا دلائل تاثیری میگوید که اساس و سرچشمه خصائص بیچارگی بزودی، استقلال، ضدیت و غیره خصائل انسان را از همین مواد یافته ام - ازین معلوم میشود که تربیه ابتدائی طفل خیلی مهم و با نتیجه بوده عکس آن در جامعه آتیه دیده میشود یعنی خیالات اخلاقی و اجراءات اداری و معاشرت کنونی ما چنان اثر انداز است که در حیات و ساختمان روحی و ذهنی نسل آتیه ما شکل و صورت دیگری میبخشد در تائید آن وردزور ته گفته « طفل پدر انسان است » یعنی حیات طفلی امروزه او فابریکه ابتدائی فردا بوده تمام پرزوها و صلاحیتهای ابتدائی

آن از همین جانشکیل و ساخته میشود - بهمین واسطه گفتار یکشخص است که « طفل را برای پنج سال اول بمن بده بعد برای تمام عمر هر جامبری ببر » .

از بیانات فوق استنباط میشود که تربیت اولاد و توجه والدین (مخصوصاً از مادر) نسبت بآن چقدر مهم و نتیجه خیز است که اثر آن برای سالیان دراز ظاهر و باقی میماند بهمین سبب گفته شده هر مادر فرزند خود را بهر نوعیکه خواسته باشد ساخته خوب و یا خراب کرده میتواند - طائفه نسوان هر قدر عظمت و وقار داشته باشد هنوز کم است باید درین زمینه بجدت کوشید و بی افسوس که زنهای شرقی اکثراً ناقص العقل بوده تحت اثر مردهایشان رهبری میشوند. ازینرو چگونگی دلیر و فہیم شده برای اولاد خود آنچنان يك نمونه زننده و یائند را پیش کرده خواهند توانست تا اولادشان سوی آن دیده حیات خود را بآن مربوط و مضبوط ساخته بتوانند ؟ همانطوریکه بر طائفه انائیه و اطفال بندشها عائد و یا خواهشات فطری آنها صلب و با صلاحیتهای مرغوب و مخصوصشان بزیر فشار رسومات عمومی آمده برهم و خراب میشود آیانسلهای آئیه که باین جاده روانند بر تهداب عمارات حیاتیہ چنان قصرهای عالی و عمارات مرغوب که شایان آنوقت باشند ^{شکاک علوم انسانی و مطالعات فرسنگ} تعمیر کرده خواهند توانست ؟ بالفرض اگر بتوانند بدیہی است که مانند آشیانہ ^{که بر شاخچه های نازک و باریک ساخته} میشود بی اساس و بی دوام خواهد بود زیرا :- چون طفل هر کار و رفتاری را که در شمار و زنی بعمل می آورد والدینش میگوید « این را ممکن آنرا ممکن » باین سخنهای ممنوعه طفل عادت خوف و تهدید را پیدا کرده بوقت بلوغ نیز بهمان عادت خو گرفته باجرای کار ، دلاورانہ و عاقلانہ اقدام نمیکند چرا که قوه تخلیقیہ آن تحت استعمال و نمو نیامده ممکنست بفہم آن نیاید باز اگر درک آنرا نماید از بی جرئتی و کمزوری بآن اقدام نمیکند و اگر اقدام نماید نتیجه آن خوب نمی آید .

این امر مسلم است که نسبت به غلامی خارجی ، غلامی داخلی که هر لحظه انسان

تحت اثر و فشار مذمومه آن میباشد بدتر است، بمقابل هر دو که بدترین آن است غلامی نفس میباید شد که آنرا محکوم قیودات ساخته از نشو و نما دوری اندازد و نتایج مستحسنة را که طبعاً از آن نشئت کرد نیست کسب نمینمائیم - این نوع غلامی اکثر اوقات حیات را تضییق و محنت را تمثیل مینماید چنانچه بعضی اوقات خود شخص آنچنان تحت فشار می آید که مسئله قابل عمل را بخوبی حس میکند اما بسبب بعضی خصائص عادیة مذمومه با اجرای آن اقدام کرده نتوانسته خود را معنأ مغضوب و محبوس آن می بیند - درینصورت آیا بهتر نخواهد بود که انسان بهمان راهیکه تقاضای جبلت انسانیست بطور اعتدال رفتار و نتایج عالیه را از آن استحصال نماید ؟ -

مضرات (اجتناب و احتیاس) انسان بصورت های مختلف و عجیب ظهور میکند مثلاً بکشخص که بماطن بددیانت و بظاهر بادیانت میباشد نظر به بددیانتی اصل خود وقتی میرسد که زهد و تقوی دیگر آنرا مقانسه میکنند ازین مقانسه ، اصل نیتش که بددیانتیست ظاهر میگردد بالعکس همدردی انتهائیه بکشخص بعضی اوقات به نفرت انتهائیه اصلیه آن مبدل و مبرهن میشود - عکس ماهیت این بندشها و مواعیک صورت مهم و دلچسپ دیگری را هم ایجاد میکند که عبارت از تبدیل شدن میلانات خود غرضانه و وحشیانه انسان است بکارهای خوبه و نافع عمومی مثلاً طفل که تصرف نمودن بهر چیز و مخصوصاً بچیزهای ممنوعه و بینکاره خواهش دارد چون منع و یا تحت فشار آورده شود مجبوراً از خواهشات بد صرف نظر کرده بطرف نیک (مثلاً جانب تعلیم و غیره) مائل میشود - بهمین صورت اولادیکه خیال ضرر رسانی داشته باشد ممکن است در کلاسالی عمل جراحی را اختیار کند - نظر باین دو نتیجه ، گفته میتوانیم که همین بندشها و مواعیک طفل است که تمدن نوع بشر را بوجود آورده بکعالم دیگری را نشان میدهد اگر میلانهای فطری بطور آزاد و بدون کدام انسدادی از پیش برده و اجرا میشد

امروز عوض ترقی موجوده بشریک جامعه بسیار چالاک و خود غرض ، عرض اندام مینمود - این تبدیلیها عموماً بی آنکه دران بی بریم و یا آنرا بدانیم خود بخود بعمل می آید چنانچه بعضی بندشها خاصیت سرگرم ساختن امور مفیده را در افراد تولید و بالعکس اکثر خواهشا تیکه تحت فشار گرفته شده باشد خاصیت بد پیدا کرده

به نتایج مذمومه حیاتی منتج میشود مثلاً

برخی به عصبیت و بعضی در غم و اندوه

وتوده بتک دنیا گرفتار شده بعضی هر فعل

را ناگوار و هر خواهش را بد تعبیر میکنند

و برخی حیات از خود و بیگانه را بر باد

و بعضی از موقع استفاده نموده آمر میشود

و حیات لکها و کرورها نفر را (خواه خوب

باشند یا بد) منقلب میسازد این همه

افراد مهم و غیر معمولی اند که درین عصر



ع.ج. فضل احمد خان وزیر عدلیه ^{شوشگاه علوم متمدن از بس زیاد است}

اشخاص معمولی به حساب میروند. در حقیقت این همه افراد غیر معمولی از اشخاص عصبانی

و رفتارشان خلاف اصول فطری میباشد که علاجشان ذریعه (تحلیل نفسی) ممکن

شده میتواند. افراد معمولی اعتدال پسند بکه باقی میماند آنها شاد و نادر یافته میشوند.

در بیانات فوق دیدیم که ما هر بن (تحلیل نفسی) چگونه ماهیت نفس را از هر فعل

معمولی بلکه از یک یک لفظ لایعنی و حتی از یک خواب فضول انسان در یافت میکند

(تحلیل نفسی) نسبت به معالجه و انسداد مختلف صورتهای عصبانیت دنیای متمدن

که بشکلهای عجیب و غریب عائد میشود مدعی است علاوه بران امراض جسمانی مانند

(معدۀ، جگر، قلب، مختلف اقسام خوف و حول، تشنج، وجع مفاصل، دمۀ و غیره) را بہر اہ امراض روحی مثل (غمگینی، کم ہمتی، خلوت پسندی، کبر و نخوت، بزدلی و غیرہ) را بادبگر حالات مخالف، ماہرین (تحلیل نفسی) کامیابانہ علاج نمودہ اند .

علاج (تحلیلی) مبنی بر این اصولست کہ آنچه از خیالات ممنوع و مسدود در نفس غیر شعوریہ انسان محبوس انداز اظہار و اقرار کردن آنها و باز از مجدداً ترتیب و اصلاح نمودن و تسلی و تشفی کردن آنها، نفس، صحت یافته تمام عوارض نفسی و جسمانی دفع شدہ یک انسان صحیح و یک وجود زندہ و کامیاب میگردد .

صورت علاج (تحلیلی) چنین است :- شخص تحلیل کار (محلل) و مریض ہر دو یک اطاق نشستہ کوائف و حالات ماضیہ مریض را از طفلی تا این وقت استفسار میکنند مریض مجبور است کہ تمام کوائف جزئی و کلی خود را کماحقہ از اول تا آخر اظہار نماید . علاوہ بر آن خیالیکہ داشتہ و باخوابیکہ دیدہ باشد ہمہ را نیز یگان یگان بیان کند . پس ازان برای چند روز باو رخصت دادہ میشود تا نسبت بہ باقی نہاندن کدام خیال و بااحوالی خوب غور کنند، باز نزد علاج کنندہ کریاید و از کوائف گذشتہ آن اگر باقی ماندہ باشد و باجدید خیالات دیدہ باشد آنرا اظہار و بعدم موجودیت ازان انکار نماید . اگر مومی الیہ نزد معالج آمدہ از باقی نہاندن سرگذشت خویش اطمینان بدہد معلومست کہ از حقیقت دور بودہ چنین نیست بلکہ بعضی ازان باقی ماندہ و فراموش آن شدہ است و بااگر فراموش شدہ ضرور ہمان واقعات باخیالاتی را کہ بجدبہ جنسی آن تعلق دارد پنهان داشتہ است . همین وضعیت مخفی داشتن او منزل «مدافعت» میباشد کہ از بیدائش این معلوم میشود کہ مرض خواہش اخراج دارد مگر مریض سد باب آن میشود . معالج ہم انسداد آنرا متدرجاً از راه اظہار ہمدردی و طریق تلازم و غیرہ مینماید . باثر این، مریض مذکور بہ (محلل)

آنچنان الفت و مربوطیت پیدا میکند که او را در عالم اسباب بگانه رفیق شفیق خود تصور میکند. بلکه مریض حیات خود را بدون آن غیر ممکن میدانند این (استحالہ) « تحویل » مقام اخیر محلل میباشد - معالج مذکور بمریض میفهماند که در اوائل عمر بوالدین خود مربوط بودی و خوشبهای تو محصور بآنها بود اما درینوقت نفس خود را از والدین خویش منفک دانسته بمحبت (محلل) منضم میدانی حالا نکه انحصار بدیگری، نتیجه اساسی شمرده نمیشود بلکه اعتماد بر خود پیدا کردن و صحیح ساختن خود را باصول اساسی یک نتیجه مثبت و متین میباشد بنابراین همین دو کیفیت را بخود پیدا کن! همین قسم نظریه دادن را باینموقع فروتد مرحله شفا بخشی میداند، لیکن بعضی محللین دیگر این مرحله را مرحله اخیر نمیندازند چرا که صحت کامل حاصل کردن آن وقت زیاد بکار داشته تعلیم و تربیه او مجدداً یک سر و صورت مخصوصی لازم دارد.

« باقیدارد »

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

